

دل آدمی و حالات مختلف آن

قلب ما در قبول و پذیرش حق و هدایت الهی، حالات مختلفی دارد که از نظر سرسختی و مقاومت، یا نرمی و جذبیت، قابل تشبیه با سنگ می‌باشد. برخی از سنگ‌ها همچون سنگ خارا نه آبی به خود جذب می‌کنند و نه در اثر تغییرات جوی (باد و باران و یخبندان) تغییر شکل چندانی می‌دهند. سنگهای آذرین معمولاً چنین هستند، اما بعضی از سنگ‌های رسوبی به دلیل نرمی زیاد قابلیت بیشتری نشان می‌دهند و اسفنج‌وار با تمام حجم خود آب را جذب می‌کنند و به سهولت تغییر شکل و حالت می‌دهند.

قرآن نیز در مقام مقایسه و تمثیل از این شباهت ظاهری استفاده کرده و با ارائه مثال مجسمی از تفاوت تغییر شکل سنگها در کوه و دشت به دلیل عوامل جوی، نشان داده است که قلب آدمی از نظر قساوت و سختی ممکن است از سنگ هم سخت تر شود، با این تفاوت که عامل تغییر شکل در طبیعت، باد و باران و تفاوت درجه حرارت است، و در شریعت، نفس آدمی و هدایت و ارشاد الهی.

این حقیقت را آیه ۷۴ سوره بقره به روشنی و وضوح در سه تصویر مختلف از تغییر شکل سنگها در طبیعت به شرح ذیل بیان کرده است:

- ۱- سنگ‌هایی که به شدت تأثیرپذیر بوده و به شکل انفجاری نهرهای متعددی از درون خود جاری می‌سازند
- ۲- سنگ‌هایی که حداقل شکاف برداشته و آبی خارج می‌سازند.
- ۳- سنگ‌هایی که (به دلیل فرسایش یا یخبندان) از اوج ارتفاعات به پائین می‌غلطند و سقوط و "هبوط" می‌کنند.

حالات فوق مبین این حقیقت است که سخت‌ترین سنگها هم سرانجام تأثیری از طبیعت می‌پذیرند و تغییر حالتی می‌دهند اما برخی از انسانها در اثر ناسپاسی و انحراف از حق به چنان قساوت و سنگدلی دچار می‌شوند که قلبشان از سنگ نیز سخت‌تر می‌گردد.

نگاه کنید به آیه مورد نظر:

ثم قست قلوبکم من بعد ذلک فهی کالحجاره او اشد قسوه و ان من الحجاره لما یتفجر منه الانهار و ان منها لما یشقق فیخرج منه الماء و ان منها لما یهبط من خشیه الله و ما الله بغافل عما تعملون.

سپس دل‌های شما بعد از آن سخت شد همانند سنگ یا سخت‌تر از آن، چرا که از برخی سنگ‌ها نهرهای متعدد منفجر و جاری می‌شود و برخی ترک خورده و از شکاف آن آبی جاری می‌شود و برخی نیز از خشیت الهی هبوط می‌کنند و خدا از آنچه می‌کنید غافل نیست.

انسانهای متقی و مقرب درگاه الهی، همچون انبیاء و اولیاء، در برابر هدایت و ذکر حق، چنان منقلب و دگرگون می‌شوند که انواع علم و حکمت از دامنه وجودشان جاری می‌گردد و آثار حیات معنوی و هدایتشان امت‌ها را تا ابد سیراب می‌کند. پیروان راستین آنها و پیشتازان امت نیز قابل تشبیه به سنگی هستند که شکاف برداشته و از خلال آن آبی روان می‌گردد. آنها نیز با تأثیر پذیری از پیام رسولان و اعمال صالح خود به مردم خیر و خدمت و احسان و انفاق می‌کنند.

بالآخره سومین گروه کسانی هستند که اگر منشاء خیر و فایده‌ای نیستند و تشنگی و طلبی را برطرف نمی‌سازند، حداقل از قله غرور و استکبار خود پائین آمده و خضوع و خشوعی در برابر حق نشان می‌دهند و از منیت و مستی غرور دست برمی‌دارند.

تمثیل فوق از ترکیب حالات مختلف سنگها در طبیعت با عکس‌العمل و بازتاب درونی دل آدمی در برابر حق، تصویر زیبایی ساخته است که برای اهل بصیرت بس تماشائی است. بخصوص نسبت دادن هبوط از بلندی یا خشیت الهی، که مخصوص موجودات ذی‌شعور است، به سنگ و کوه، که ظاهراً شناخت و شعوری ندارند، برای همین است که متکبران را از اوج افتخارات و قله غرور آنها به نیروی "خشیت الهی" به دامان تواضع و فروتنی فرود آورد.

نتیجه‌گیری نهائی: "و ماالله بغافل عما تعلمون" (خدا از آنچه می‌کنید غافل نیست) نیز با ظرافتی شگفت حواس خواننده یا شنونده را از استعاره و تمثیل به عالم واقعیات و عملکرد انسان متوجه می‌سازد تا از طبیعت درس توحید بگیرد.

قرآن در فرازی دیگر و درست در جهت معکوس مثال فوق، از مؤمنانی یاد می‌کند که با شنیدن حدیث زیبای حق (آیات قرآن) و تأثیر پذیری از پیام رسولان و خشیت خدائی، موی بر اندامشان راست گردیده پوست و دلشان به سوی یاد خدا "نرم" می‌گردد و با تمام وجود هدایت را جذب می‌کنند:

الله نزل احسن الحدیث کتاباً متشابهاً مثانی تقشعر منه جلود الذین یخشون ربهم ثم تلین جلودهم و قلوبهم الی ذکر الله ... (سوره زمر آیه ۲۳)

خداوند نیکوترین پیام تازه، کتابی متشابه و هماهنگ، نازل کرده است که (از تلاوت آن) پیکر کسانی که از خدا خشیت دارند به لرزه می‌آید و سپس پوستها و دل‌هایشان برای پذیرش هدایت نرم و آماده می‌گردد.

تقابل قساوت (سخت‌دلی و عناد با حق) و نرم‌دلی ناشی از خشوع را در آیه دیگری به نمایش گذارده است که بس هشدار دهنده و بیدارگر است:

الم یأ‌ن اللذین آمنوا ان تخشع قلوبهم لذكر الله و ما نزل من الحق و لا یكونوا کالذین اوتوا الکتاب من قبل فطال علیهم الامد فقست قلوبهم و کثیرٌ منهم فاسقون. (حدید آیه ۱۶)

آیا برای مؤمنان وقت آن نرسیده است که دل‌هایشان به یاد خدا و حقیقتی که نازل شده خاشع گردد و چون کسانی از اهل کتاب در زمانهای گذشته نباشند که به دلیل طولانی شدن روزگار بر آنها دلشان سخت شد و بسیاری از آنها فاسق گشتند